

کوچه «دانشگاه» برخلاف بسیاری از کوچه‌های قدیمی مشهد، پس از انقلاب تنها به یک دلیل رشد جمعیت داشته است

رونق مجالس امام حسین(ع) در کوچه «باغ روضه‌ها»



نمای تابولی ورودی کوچه از دانشگاه



موقعیت کوچه میرزای ناظر بر روی نقشه مشهد سال ۱۳۲۲ خورشیدی

کوچه فرعی دانشگاه ۵/۱۱، خانه اسماعیل زاده در حاشیه جنوبی کوچه و دو خانه باغ نیمه تخریب شده در نبش جنوبی سنایی ۵ از این جمله هستند. آخرین تغییر مهم رخ داده در این کوچه در سال های اخیر،تغییر درخورتوجه ساکنان آن است،برخی ازتوانمندان مذهبی شهر در دودهده اخیر به سکونت در این کوچه که هنوز جوی قدیمی آن در حاشیه بخش شمالی اش قابل مشاهده است. اقبال نشان داده‌اند. نماد این توجه هم افزایش محافل روضه خوانی خانگی در این کوچه طی سال های اخیر است. به‌نحوی که اکنون بسیاری از مذهبی های شهر، این کوچه راایلقب کوچه باغ روضه‌ها می‌شناسند.

نامداران کوچه «باغ روضه‌ها»

شاخص ترین فرد ساکن این کوچه در صدساله نخست، سیدعبدالله... شهیدوست یا همان میرزای ناظر است. او که در دوره های یازدهم، دوازدهم و سیزدهم مجلس شورای ملی نماینده درگز بود و سالیان متمادی منصب نظارت آستان قدس رضوی را در اختیار داشت، بخش عمده‌ای از زمین های بخش آغازین کوچه را در تملک خود داشت و اکنون نیز خانه باغ باقی مانده از وی محل سکونت تعدادی از ورثه است.

خاندان اهل علم دست پروری که روضه های ایشان مشهور است و خاندان برکات که دیگر خانواده دارای مجالس روضه در این مسیر هستند هم از جمله خانواده های سرشناس ساکن این کوچه محسوب می شوند، همچنین باید از حاج حسن زرعی شکسته بند معروف، فعال در محدوده میدان شهدا در سال های نه چندان دور، سرهنگ جاودانی از مسئولان قبلی لشکر ۷۷ خراسان، و متنی، از کارمندان قدیمی شرکت پست، به عنوان تعدادی دیگر از قدیمی های ساکن این مسیر یاد کرد.

خانواده های مشیریان واسماعیل زاده که هرکدام مالک یکی از خانه های قدیمی باقی مانده از نسل نخست خانه های این کوچه هستند و دو خاندان میر و اسکندری که در حال بازسازی بناهای خود هستند، خاندان محمدزاده که بازهم از پراکنندگان مجالس روضه خانگی در این کوچه هستند و خاندان سرابی که بزرگشان به شغل بنگاه داری مشغول بوده است، از دیگر قدیمی های ساکن این مسیر محسوب می شوند. سرانجام باید از خانواده صوری که فرزند آنان محمدصوری به شهادت رسیده ونامش بردیوار بخشی از کوچه به عنوان معروف این مسیر ثبت شده است به عنوان دیگر خاندانی یاد کرد که روزگاری ساکن این کوچه بوده است.

گروه تاریخ و هویت: در ابتدای خیابان دانشگاه مسیری است که اکنون با تابلوی دانشگاه ۵ در ابتدای آن شناخته می شود. اگرچه برای سال های بسیار به نام کوچه «میرزای ناظر، در بین مردم مشهور بوده است. طی دو دهه اخیر به دلیل کثرت برگزاری محافل کوچک و بزرگ روضه خانگی در دو ماه محرم و صفر، نزد مردم منطقه بیشتر با عنوان کوچه «باغ روضه‌ها، شناخته می شود.بااین همه این دو نام تنها نام های این گذر نبوده و دانشگاه ۵، در عمر حدود صدساله خود، با اسامی رسمی و غیررسمی متعددی معرفی شده است. نخستین اسم رسمی آن «فوزیه ۹، بود که پس از مدتی به «دانشگاه ۹» و سپس «دانشگاه ۱۱، تغییر کرد. سطرهای بعدی چرخشی است در تاریخ این کوچه.

بزرگ این محدوده و البته تغییر کاربری این باغ ها به خانه باغ بوده است. در این نقشه کوچه میرزای ناظر دارای تنها یک فرعی غربی بوده که این فرعی نیز به کوچه مهرگان -که خود امتداد کوچه مشاق بوده- مرتبط می شده است. ایجاد دو خیابان فوزیه یا دانشگاه و سنایی در دهه ۲۰ سده ۱۴ خورشیدی هم سبب تغییرات درخور تأملی در این مسیر شده است.

وضعیت این مسیر اما در آخرین سال های حکومت قاجارها بر ایران، یعنی سال ۱۳۰۳ خورشیدی که نقشه هرتسفلد ترسیم شده است، اندکی با پنجاه سال قبل از آن فرق می کند. در این دوران نخستین پلاک مسکونی ابتدای کوچه شکل گرفته و به عبارت بهتر، باغ بزرگ میرزای ناظر از یک باغ به خانه باغ تبدیل شده است. به این صورت، خاندان سیدعبدالله... میرزای ناظر عنوان نخستین ساکنان رسمی این مسیر را به خود اختصاص می دهند. البته تاپیش ازآن ها،جمعی از کارگران موقت و نگهبانان باغ های کوچک و بزرگ را می توان جزو ساکنان موقت و اصلی این حدود دانست.

سیر تکامل کوچه «میرزای ناظر» در دوره پهلوی

دهه های نخست سده ۱۴ خورشیدی را باید به عنوان دوران تکامل کوچه میرزای ناظر شناخت. در این دوران، ابتدا مسیر به صورت کوچه ای بلند شامل دو بخش (قبل از کوچه باغ سنگی و پس از باغ سنگی) ایجاد شد. براساس نقشه سال ۱۳۱۰ خورشیدی از مشهد که وضعیت شهر قبل از ایجاد دو خیابان فوزیه (دانشگاه کنونی) و خیابان سنایی را نشان می دهد، در آن سال این کوچه از میان یکی از باغ های مشرف به خیابان پهلوی (امام خمینی ^ه) کنونی) آغاز می شودپس از گذراز کوچه باغ سنگی تا مسیر پای باروی جنوب غربی شهر ادامه پیدا می کرد. یعنی در حداقل سال های ۱۳۰۳ تا ۱۳۱۰ مسیر مورد نظر به سرعت تکامل پیدا کرده است که این تکامل به احتمال بسیار، حاصل پیوستن مسیرهای مالرو بین باغات کوچک و



نمای بقایای باغ و منزل میرزای ناظر



نمای ورودی خانه باغ رها شده نبش سنایی

دوره قاجار و کوچه «میرزای ناظر»

کوچه ای را که اکنون با عنوان دانشگاه ۵ شناخته می شود، روزگاری به دلیل سکونت سیدعبدالله... شهید وست، مشهور به میرزای ناظر، به نام او می شناختند. آن چنان که این نام برای مدتی هم بر تابلوی ورودی کوچه (از سمت خیابان دانشگاه) در کنار عنوان دانشگاه ۱۱ حک شده بود. تغییر شماره این کوچه خیابان دانشگاه از ۱۱ به ۵ در سال های اخیر از عواقب اجرای طرح نوسازی میدان شهدا و ایجاد خیابان جدید صاحب الزمان ^ع در جریان این طرح است که حذف چندفرعی نخست این خیابان و در نتیجه کاهش شماره فرعی های باقی مانده را به دنبال داشت.

این تغییر شماره ها در حالی بر تابلوی نصب شده در ابتدای این کوچه (از سمت خیابان دانشگاه) در طول زمان اجرایی شده که بر تابلوی معرف این کوچه (از سمت خیابان سنایی) همواره عنوان سنایی ۵ حک شده است.

البته در این بین، در سال های نخست انقلاب، بر دیوار خانه ای که در ابتدای کوچه (پس از تقاطع آن با کوچه باغ سنگی) قرار دارد، تابلویی هم با عنوان کوچه «شهید محمد صوری» نصب شد که هنوز هم قابل رؤیت است. در حالی است که همین مسیر در برخی از نقشه های قدیمی با عنوان کوچه «چهارباغ» هم ثبت شده است تا مشهد علاوه بر چهارباغ نادری، چهارباغ سنایی هم داشته باشد. این بخش از کوچه طی سال های اخیر به دلیل کثرت روضه های محرمی بین مردم به کوچه «روضه ها» نیز معروف شده است.

دیگر نام این کوچه -که در برخی از دوره های زمانی به آن شناخته می شده- حاصل خوانش اشتباه یک نام است. درشت نوشته شدن کلمه «ا...» و ریزنویسی کلمه «عبد» در کنار آن بر سررد تنها مسجد و حسینیه قدیمی این کوچه، سبب شده است برخی به اشتباه از این کوچه به نام کوچه «مسجد ا...» هم یاد کنند، البته مرحوم میرزای ناظر در وقف نامه ای که برای معرفی املاک وقفی بر این مسجد و روضیه تنظیم کرده از مغازه های ابتدای این مسیر به عنوان پلاک های تجاری ابتدای کوچه «مسجد رضوی» نام برده است.

اندکی تأمل در نقشه های قدیم مشهد این واقعیت را نشان می دهد که عمر کوچه دانشگاه ۵ کنونی حدود صد سال است. محدوده این کوچه در نقشه سال ۱۲۴۸ خورشیدی از مشهد، به صورت دو بخش مجزا ترسیم شده که کوچه باغ سنگی آن دو را از هم جدا کرده است. بخش شرقی این کوچه در آن دوران، در

بهداشت «آقداش» در ۱۳۲ سال پیش

مرضیه ترابی ا روستای قدیمی و مصفای «آقداش» آبادی بسیار زیبایی است که در دامنه پرپهر کوه های هزارمسجد قرار گرفته است. در این روستای زیبا، افزون بر کشاورزی و دام پروری، هنر گلیم بافی نیز رواجی تمام دارد و سال های اخیر، تلاش هایی برای ثبت ملی آن صورت گرفته است.

آقداش، بعد از انعقاد قرارداد «آخال» و جدایی اراضی شمال رود اترک از ایران، به روستایی مرزی تبدیل شد و موقعیتی ژئوپولیتیکی هم پیدا کرد. اقلیم آقداش، همچون کلات ونواحی هم جوار آن، اقلیمی کوهستانی با آب وهوایی بسیار عالی و چشمه سارهای روان و پُرآب است که برای هر طبیعت گردی، موقعیتی بکر و فوق العاده محسوب می شود. در آلبوم شماره ۲۴۰ از مجموعه کاخ موزه گلستان، عکسی از دورنمای روستای آقداش وجود دارد که باید آن را قدیمی ترین تصویر موجود از این روستای زیبا بدانیم؛ عکسی مربوط به سال ۱۳۱۱ قمری (۱۲۷۲ خورشیدی) که در قالب دوربین عبدالله قاجار، عکاس مخصوص ناصرالدین شاه، ثبت شده و به یادگار مانده است. در این تصویر روستای باروری دفاعی ندارد و در شبی نسبتاً تند ساخته شده است. در

کشف تاریخ

خراسان نامه

مذری بر تاریخ منطقه کاخک گناباد (قسمت اول)

کاخ‌ی که به اسماعیلیه نسبت داده شد



ویرانه های باقی مانده از کاخک گناباد

رجبعلی لیاف خانیکی ا موقعیت خاص جغرافیایی و منطقه ای کاخک از گذشته های دور باعث می شده است که این منطقه از سویی مورد استقبال و سکونت قرار گیرد و از سوی دیگر یاغیان و راهزنان به آن چشم طمع داشته باشند و بارها کاخک را ناامن کنند. شهر کاخک به عنوان آخرین کانون جمعیتی جنوب خراسان رضوی در فاصله ۲۶کیلومتری جنوب شهر گناباد و در دامنه شمالی رشته کوه سیاه بر سر راه قدیمی تون به قاین واقع شده و به عبارتی در سرنوشت این شهرها هم شریک بوده است. در عرصه اسطوره، کاخک مشرف بر رزمگاه ایرانیان و تورانیان در جنگ دوازده رخ در بیابان گناباد بوده که محرزترین نشانه هایش انتساب دو مکان به مدفن پیران ویسه، فرمانده تورانیان در مدرسه سعد سلمان کاخک و روستای قلعه سفید، در نزدیکی کاخک است.

درست نمی دانیم که تا اوایل قرن سوم قمری بر کاخک چه گذشته است، اما می توان فرض کرد که در کشاکش میان ساگارتیان (از ابتدای مهاجرت آریاییان آن منطقه را در اختیار داشتند) و اشکانیان (در دوران مهرداد دوم (۱۲۳-۸۸ پیش از میلاد) بر آن منطقه چیره شدند) یا هپتالیان (در عصر ساسانی بر منطقه مسلط بودند) و یا عبور جنگجویان عرب در صدر اسلام از کاخک. این منطقه از جنگ بین این اقوام و وقایع مابین آن ها، تأثیر پذیرفته و احتمالاً آسیب دیده است.

از سال ۲۰۳ قمری اما ماجرا فرق کرد؛ محمدبن موسی الکاظم ^ع به خون خواهی برادرش، علی بن موسی الرضا ^ع، قیام کرد و مورد تعقیب سپاهیان مأمون عباسی قرار گرفت و به کاخک آمد. او در گذار کاخک با آن ها جنگید و شهید شد و در همان جا به خاک سپرده شد. از آن پس کاخک به عنوان مکانی زیارتی مورد توجه شیعیان قرار گرفت و بنا به اقتضای نیاز زائران به قطب اقتصادی و صنعتی تبدیل شد. از این به بعد است که آن جایگاه والا از سویی سبب رونق کاخک شد و از دیگر سو، طمع متجاوزان و دشمنان را برای جسارت به آن وادی مقدس برانگیخت.

در سال ۴۸۴قمری حسن صباح، رهبر اسماعیلیه، به یکی از داعیان به نام حسین قاینی مأموریت داد تا قلعه های اسماعیلیه را در قهستان راه اندازی و تجهیز کند. به رهبری او حدود هفتاد قلعه در نقاط مختلف قهستان تصرف یا ساخته شد که حداقل چهار مورد از آن ها در گناباد و از آن ها سه مورد به نام های سرتخت، جواشیر و زبید در براکوه گناباد و نزدیک کاخک قرار داشت و از آنجاکه کاخک بزرگ ترین مرکز جمعیتی، مذهبی و تجاری براکوه بود، به ناچار در دوران اسماعیلیه نیز از آن نهضت تأثیر می پذیرفت و به همان دلیل است که برخی قلعه قدیمی کاخک را به اسماعیلیه نسبت می دهند.

اما در اوایل سده هفتم قمری، غوریان به قهستان و مشخصا به کاخک لشکر کشیدند که این ماجرا در «منهاج سراج» این طور نقل شده است: «در سال احدی و ستمانه (۶۰۱ قمری) ملک علاءالدین از غور لشکر به طرف ملحدان و قهستان برد و در شهر قاین رفت و به طرف جناباد قهستان لشکر کشید و قلعه کاخ (کاخک) جناباد فتح کرد و غزوه بسیار و جهاد بی شمار به جا آورد و به غور باز آمد.»

در این روایت اگر منظور مورخ قریه یا شهر کاخک نبوده و همان قلعه کهن کاخک باشد، عظمت و اهمیت آن محرز است. به استناد آوردن نام «ملحدستان» احتمالاً طرف جنگ غوریان اسماعیلیه بوده اند که فرضیه اسماعیلی بودن قلعه کهن کاخک را تقویت می کند.

ظاهراً در فتنه چنگیز خان مغول آسیبی به کاخک وارد نشده اما در سال ۶۵۵ قمری هلاکو، نوه چنگیزخان مغول، به منظور محو خلافت عباسی و تارومار کردن اسماعیلیه به ایران لشکر کشید و به مقصودهای خود نائل آمد؛ همچنین در فرابند نیل به مقصود عده کثیری از اسماعیلیه و هواداران شان را به خاک و خون کشید و شهرهای آن ها را خراب کرد؛ چنانچه بیدپریم قلعه کاخک هم از قلعه های اسماعیلیه بوده است. در آن غائله مردم کاخک هم از آسیب میرا نبوده اند.

در سال ۷۰۵قمری، با غلبه «امیر مولای» شمال قهستان به تصرف مولاییان درآمد و گناباد مرکز فرمانروایی مولاییان شد. امیر مولای و پسرش «امیر محمد بیک» پنجاه سال از گناباد بر شمال قهستان حکم راندند که لاید کاخک و قلعه کاخک هم به دلیل جایگاه نظامی و اجتماعی آن، ایفاگر نقش بوده است.

تقویم تاریخ

جایزه ۱۰۰هزار تومانی برای سر محمدعلی شاه قاجار



مجلس شورای ملی در جلسه هفتم مرداد ۱۲۹۰ خورشیدی دست به یک کار عجیب زد. نمایندگان برای فرد یا افرادی که محمدعلی شاه مخلوع را دستگیر یا سرش را بیاورند، یکصد هزار تومان (به پول آن زمان) جایزه نقدی تعیین کردند.

محمدعلی شاه قاجار که برکنار و تبعید شده بود، در آن دوران برای پس گرفتن سلطنت با هزاران مرد مسلح از طریق ترکستان روسیه و با کمک این دولت به ایران بازگشته بود. این مهم اما هرگز محقق نشد و محمدعلی شاه پس از ۵۳ سال عمر، در سال ۱۳۰۳ خورشیدی در تبعید درگذشت. سلطنت او که پس از مرگ پدرش، مظفرالدین شاه، در سال ۱۲۸۴ خورشیدی آغاز شده بود، پس از تصرف تهران به دست مشروطه طلبان پایان یافت.

مشغول می باشند.»

در متن گزارش عبدالله... قاجار، صحبت از روستاهای «نقطه»، «سیرزار» و کبودکنبد، در اطراف کلات شده که امروزه نیز از روستاهای آباد این منطقه است و روستای کبودکنبد نیز همچنان مرکزیت دارد. به نظر عبدالله... قاجار که احتمالاً رازااز حکیم (پزشک) منطقه گرفته، علت ناخوشی مردم، استفاده از آب ناسالم است. باتوجه به وجود موجوداتی نظیر زالو در آب مذکور و نیز باکتری ها و انگل هایی که در محیط گرم و مرطوب آن رشدی سریع و گسترده دارند. سربازان به سادگی زیست دور از انتظار نبوده است.

برنمی دارند و از آب شالی می خورند و ثانیاً در آنجا یک نفر حکیم بیش مأمور نمی شود و جراح هم ندارند و دهنه های کلات از سه فرسخ تا چهار فرسخ امتداد دارد و این یک نفر حکیم به تمام دهنه های آنجا در یک روز نمی تواند سرکشی کند، مگر اینکه مریض خانه در انتهای بابا کمیلی، هوای کلات بسیار خوب است و ویلاقات خوب هم دارد. اما اهالی آنجا سربازان بدون جهت اغلب اوقات ناخوش می باشند. [به نظر می رسد دلیلش این باشد که] اولاً در ایام تابستان در آنجا شالی کاری می کنند [و] اهالی و سربازان از چشمه های اطراف رودخانه که آب صاف و گوارا دارد